



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2023.82853.1362

مقاله پژوهشی

بررسی علی و معلولی کارکردها و کژکاردهای قهوه‌خانه‌های صفوی و قاجار از منظر تداوم و تحول اجتماعی

شهین فارابی (عضو هیئت‌علمی و استادیار تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه پیام نور، ایران)
sh.farabi@pnu.ac.ir

چکیده

فضای شهری در ایران دوره اسلامی، ترکیبی از فضاهای عمومی و خصوصی است که به طور پیچیده در یکدیگر تنیده شده‌اند. در جامعه ایران، قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان مکان‌های نوظهور اجتماعی، از دوره صفویه به بعد، گونه جدیدی از معاشرت‌های شهری را شکل دادند و با کارکردهای مختلف، نقش بسزایی در گسترش حوزه عمومی ایفا کردند. در آغاز پیدایش، قهوه‌خانه‌ها غالباً از کارکردی تفریحی و فراغتی برخوردار بودند، و به‌تدریج این کارکرد، تحت‌الشعاع بافت مذهبی جامعه ایران و بروز برخی رخدادها دستخوش تطور شد و قهوه‌خانه‌ها تنوع کارکردی یافتند. مطالعه درباره کارکردهای این فضاها، چشم‌اندازی به مطالعات تاریخ اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی می‌گشاید و نیازمند توجه، بررسی و تحلیل ابعاد تأثیرگذار آن بر مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است؛ بر این اساس، در این پژوهش، باتکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل کارکردهای مختلف قهوه‌خانه‌ها و سیر تداوم و تحول آن‌ها در دوره‌های صفوی و قاجار پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، کارکردهای تفریحی-فراغتی، مذهبی، ادبی، هنری و سیاسی قهوه‌خانه‌ها در دوره‌های صفوی و قاجار دستخوش تداوم و تحول بوده است و این کارکردها عوامل انتزاعی و مستقلى هستند، اما به دلیل بافت مذهبی و باورهای دینی پرننگ جامعه ایران در دوره‌های صفویه و قاجار، در برخی موارد، پیوند

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۴ صص ۱۸۷-۲۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

میان این کارکردها برقرار بوده است. قهوه‌خانه‌ها در کنار نقش مثبت و تأثیرگذار بر حفظ و اشاعه فرهنگ ملی، قومی، مذهبی و برخی جلوه‌های هنری جامعه ایران، از برخی کژکارکردها و ترویج بزهکاری‌های اجتماعی نیز مصون نبودند. این کژکارکردها با ورود عناصر نوگرایی به جامعه عصر قاجار دامنه گسترده‌تری یافت و با اضافه شدن کافه‌ها به عنوان نهادهای نوین، به رواج ناهنجاری‌ها و کژکارکردهای اجتماعی دامن زد و به تدریج به طور مؤثری کارکردها را تحت تأثیر قرار داد.

کلیدواژه‌ها: قهوه‌خانه‌ها، کارکردها، کژکارکردها، صفوی، قاجار، تداوم، تحول.

۱. مقدمه

قهوه‌خانه‌ها، به عنوان یکی از فضاهای عمومی در زیست شهری، از زمان شکل‌گیری در ادوار مختلف کارکردهای گوناگون مذهبی، تفریحی، اجتماعی، فرهنگی-ادبی، هنری و سیاسی داشته‌اند و به عنوان مکان‌های نوظهور اجتماعی از دوره صفویه به بعد در جامعه ایران، گونه جدیدی از معاشرت‌های شهری را شکل دادند و نقش بسزایی در گسترش حوزه عمومی ایفا کردند. قهوه‌خانه‌ها برای اهداف خاصی از جمله برگزاری آیین‌های مذهبی، بازی‌های قهوه‌خانه‌ای، سپری کردن اوقات فراغت، نقالی، بیان حماسه‌های دینی و اسطوره‌ای و گفت‌وگوهای سیاسی به کار می‌رفته‌اند؛ بنابراین از دیدگاه تاریخ اجتماعی و مطالعات فرهنگی، لازم است ابعاد تأثیرگذاری قهوه‌خانه‌ها بر مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... تحلیل شود. قهوه‌خانه‌ها در آغاز پیدایش، غالباً از کارکردی تفریحی و فراغتی برخوردار بودند، ولی به تدریج، این کارکرد، تحت تأثیر بافت مذهبی جامعه ایران و بروز برخی رخدادها دستخوش تطور شد و قهوه‌خانه‌ها تنوع کارکردی یافتند.

در دوره صفویه با توجه به نقش پررنگ اعتقادات دینی و مذهبی شیعی در ارکان حکومت و مناسبات جامعه ایرانی، قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از فضاهای شهری نوظهور از این قاعده مستثنا نبودند و قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از فضاهای شهری در جامعه ایرانی، عموماً همراه و همگام با آرمان‌ها، باورها و گرایش‌های عامه مردم جامعه حرکت کرده و

برنامه‌های فرهنگی-مذهبی خود را مطابق با سال‌شمار تقویم ایرانی-اسلامی در طول سال تنظیم می‌کردند که برخی از این سنت‌ها همچنان در بستر زمان تداوم یافت و امروزه نیز شاهد تثبیت سنت‌های مذهبی در زیست‌بوم فضاهای قهوه‌خانه‌ای هستیم. شایان‌ذکر است که یکی از مهم‌ترین عناصری که ارتباط با کارکردهای مذکور در قهوه‌خانه‌های صفوی و قاجار داشته است، عنصر کالبدی و آرایه‌های معماری این مراکز است که سیر تطور آن در خلال این دو دوره تاریخی، از منظر هنری و زیبایی‌شناختی در پژوهش حاضر بررسی شده است؛ بر این اساس، بررسی کارکردهای قهوه‌خانه‌ها و سیر تحول آن‌ها در دوره‌های صفوی و قاجار و همچنین بررسی عوامل مؤثر بر تداوم برخی کارکردها و بروز کژکارکردها در سیر تحولی آن‌ها به‌عنوان هدف این تحقیق مطرح است.

قهوه‌خانه‌ها در کنار نقش مثبت و تأثیرگذار بر حفظ و اشاعه فرهنگ ملی، قومی، مذهبی و برخی جلوه‌های هنری، از برخی کژکارکردها و ترویج بزهکاری‌های اجتماعی نیز مصون نبودند. نظر به اینکه این بزهکاری‌های اجتماعی اعم از مسکرات، قمار و عیاشی به دلیل رویکرد دینی تشیع، حداقل در دوره صفوی که حکومت بر حفظ شعایر دینی مردم نظارت خاص داشت، نمی‌توانست در قهوه‌خانه‌ها که مالکان آن مسلمان بودند، مطرح باشد، لذا کژکارکردهای این مراکز از دوره قاجار به‌موازات ورود عنصر نوگرایی در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار و اضافه‌شدن کافه‌ها به‌عنوان نهادهای نوبنیاد، به رواج ناهنجاری‌ها و کژکارکردهای اجتماعی دامن زد.

در این پژوهش بر پایه برخی نظریه‌ها درباره کارکرد و کژکارکردها و نقش آن‌ها در جامعه، تلاش شده است به تبیین جامع این دو نقش قهوه‌خانه‌های ایران در دوره‌های صفوی و قاجار پرداخته شود و سیر تطور آن‌ها با توجه به نیاز روز هریک از این دو دوره بررسی شود.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

پیش از این تحقیقات گوناگونی قهوه‌خانه‌ها را از دریچه تاریخی یا هنری مدنظر قرار داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد که از منظر تاریخی جنبه‌های مختلف قهوه‌خانه‌ها را بررسی کرده‌اند: «تاریخ قهوه و قهوه‌خانه در ایران» نوشته نصرالله فلسفی (۱۳۳۳) در مجله سخن، «نقد ادبی در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی» نوشته ناصر نیکوبخت (۱۳۹۴) در فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، «قهوه‌خانه در ساختار جامعه صفوی و تفریحات رایج در قهوه‌خانه‌ها» نوشته محمدکریم یوسف جمالی و محمدرضا اسحاق تیموری (۱۳۹۰) در فصلنامه مسکویه و «نقش و عملکرد قهوه‌خانه‌های تهران در دوره قاجار» نوشته احمد کامرانی‌فر و نرجس معمار (۱۳۹۰) در نشریه تاریخ اسلام و ایران. همچنین برخی دیگر از مقالات همچون «بررسی تطبیقی، موضوعی و تکنیکی نقاشی درباری و قهوه‌خانه‌ای قاجار» نوشته مهناز شایسته‌فر و فرزانه خمسه (۱۳۸۸) در نشریه نقش‌مایه، از دریچه مطالعات هنری و معماری به موضوع قهوه‌خانه‌ها پرداخته‌اند، اما از منظر اجتماعی و نگاهی به سیر تداوم و تحول کارکردی و پیوندهایی که برخی کارکردها با یکدیگر داشته‌اند، آن‌چنان‌که در پژوهش حاضر بررسی شده، پژوهشی انجام نشده است.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

۲.۲.۱. کارکردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه

کارکردگرایی به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین و اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می‌نماید. در منطق کارکردگرایی، مطابق نظر گولدکولب، «کارکرد» (function) اثر یا پیامدی است که یک پدیده در بقا و ثبات نظام اجتماعی به آن نیاز دارد (گولدکولب، ۱۳۹۲، ص. ۶۷۹).

کارکردگرایی به عنوان اولین دیدگاه نظری هماهنگ جامعه‌شناسی، نخستین بار در اندیشه اگوست کنت (۱۷۹۵-۱۸۵۸م) در مقایسه جوامع با موجودات زیست‌شناختی مطرح شد. او در این نظریه موجود اجتماعی را متشکل از خانواده‌هایی می‌دانست که عناصر اصلی یا سلول‌ها را تشکیل می‌دهند. طبقه یا کاست، بافت‌های مناسب آن را می‌سازند و شهرها و اجتماعات اندام‌های واقعی را تشکیل می‌دهند (کنت، ۱۸۵۱، ص. ۲۴۱).

پس از او، هربرت اسپنسر (۱۸۲۰-۱۹۰۳م) و امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷م) و بعدها در قرن بیستم، مردم‌شناسانی همچون رادکلیف براون و برانیسلاو مالینوفسکی و تالکوت پارسونز و مرتون آن را به شکل تکامل یافته تری تبدیل به دیدگاه غالب در جامعه‌شناسی نمودند (ترنر، ۱۳۹۳).

کارکردگرایان، بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام خانواده، مذهب و سازمان‌های آموزشی و پرورشی اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آن‌ها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطراتادن حیات و بقای کل نظام اجتماعی است. همه این نهادها (اجزای نظام) دارای ارتباط متقابل هستند و هر یک از آن‌ها برای ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختمان مناسب داشته باشند و به گونه‌ای عمل کنند که با اجزای دیگر سازگار باشند. ناسازگاری اجزای نظام اجتماعی موجب تجزیه آن و تضاد بین اجزا باعث نابودی آن خواهد شد؛ بنابراین هماهنگی و انسجام، ضامن اصلی سازگاری اجزای یک نظام به شمار می‌رود (توسلی، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۶).

کارکردگرایی جامعه‌شناختی در اولین دهه قرن بیستم از بین رفت؛ نه به دلیل اینکه کارکردگرا بود؛ بلکه به دلیل اینکه نظریه‌های کارکردگرایی تکاملی بودند و مجدداً با تلاش‌های پارسونز در سال‌های دهه ۱۹۵۰ دوباره متولد شد. معاصر با او، رابرت مرتون به عنوان منتقد دیرپای کارکردگرایی تحلیلی تلاش کرد دنیای اجتماعی را با طرح بزرگ تحلیلی تبیین کند و به این شکل منطق کارکردگرایی را تغییر جهت دهد (ترنر، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

و ۱۲۸). مهم‌ترین انتقادات مرتون بر نظرات کارکردگرایان اولیه با سه فرض پرسش‌برانگیز وحدت کارکردی، عمومیت کارکردی و موضوع ضرورت وجودی بود. پافشاری مرتون بر اینکه کارکردهای خاصی باید در همه نظام‌ها وجود داشته باشند، باعث می‌شود که فقط فرایندهایی را در نظام‌های اجتماعی مشاهده و توصیف کند که پیش‌نیازهای عام از پیش فرض شده را در نظام، برآورده می‌کنند. به همین دلیل مرتون ادعا می‌کند که مطلوب‌تر این است که الگوهای فرهنگی و اجتماعی به صورت کلی توصیف شود، سپس پیامدهای مختلف آنها برای رسیدن به نیازهای خاص بخش‌های مختلف نظام‌های واقعی تجربی بررسی شوند. بررسی دنیای تجربی به روشنی نشان می‌دهد که ساختارهای بدیلی برای فراهم کردن پیش‌نیازهای اساساً یکسان در نظام‌های مشابه و متفاوت می‌توانند وجود داشته باشند. این امر باعث شد مرتون در تحلیل کارکردی، اهمیت توجه به انواع گوناگون «مبادل‌های کارکردی» یا «جایگزین‌های کارکردی» در نظام‌های اجتماعی را فرض کند؛ بر این اساس، در تحلیل کارکردی، اقلام اجتماعی یک نظام ضروری نیستند (ترنر، ۱۳۹۳، صص. ۱۲۹-۱۳۱).

درخصوص قهوه‌خانه‌ها، به عنوان یک نهاد اجتماعی مؤثر به ویژه در عصر صفوی و قاجار و ارتباط آن با نظریه کارکردگرایی می‌توان استنباط کرد که کارکردهای قهوه‌خانه‌ها اعم از کارکرد مذهبی، ادبی، فراغتی، سیاسی و هنری، هر کدام به خودی خود به عنوان عوامل انتزاعی هستند و وظیفه خاص خود را بر عهده دارند، اما گاه میان برخی از این کارکردها از جمله کارکرد مذهبی و هنری از جنبه‌های گوناگون با یکدیگر پیوندهایی ایجاد می‌شود که در واقع ضامن اصلی تداوم کل این مجموعه اجتماعی در دو دوره مذکور بوده است و اختلال یا فقدان این هم‌نوایی در کارکردهای موجود در نهاد قهوه‌خانه می‌توانست باعث از هم گسیختگی این نهاد در دوره صفوی و قاجار شود.

در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی، دورکیم و ریترز به عنوان نظریه پردازانی بانفوذ بر تحولات جامعه‌شناسی، به علل کارکردها در جامعه توجه ویژه‌ای داشته‌اند و میان علت‌های اجتماعی

و مفهوم کارکرد اجتماعی تمایز قائل شده‌اند (ریترز، ۱۳۸۷، صص. ۱۲۱-۱۲۲)؛ بنابراین در بررسی علت‌های اجتماعی باید چگونگی ایجاد یک ساختار معین لحاظ شود و در بررسی کارکردهای اجتماعی باید این مسئله مدنظر قرار گیرد که یک ساختار معین چه نیازی را برای نظامی گسترده‌تر برآورده می‌کند. با توجه به بحث اهمیت علل در شکل‌گیری کارکردهای یک نهاد، متناسب با نیاز جامعه باید به این مسئله توجه داشت که پس از ورود قهوه به ایران در عصر صفوی، قهوه‌خانه‌ها با آغاز گسترش ارتباطات تجاری ایران در عرصه مناسبات خارجی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تحت تأثیر تحولات رنسانس اروپا شکل گرفتند تا بتوانند بستر مناسبی برای ورود فرهنگ جدید شهری به ایران و حفظ میراث فرهنگ ایرانی-اسلامی باشند و در قالب کارکردهای مختلف نقش‌آفرینی کنند؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر که به سیر تحول کارکردهای قهوه‌خانه‌ها اختصاص دارد، سعی شده است به علل تغییر کارکردها متناسب با نیاز جامعه صفوی و قاجار نیز پرداخته شود.

۲.۲.۲. کژکارکردها و پیامدهای آن در جامعه

رابرت مرتون در کتابش با عنوان *مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی*، کژکارکرد را مجموعه‌ای از کارکردهای نیندیشیده و پنهان، اما شناسایی‌شدنی می‌داند که با عنوان کارکردهای منفی و مخرب با کژکارکرد (dysfunction) از آن یاد می‌شود (مرتون، ۱۳۷۶، ص. ۲۵). کژکارکردها معمولاً به نتایج منفی ناخواسته و پیش‌بینی‌نشده منجر می‌شوند که نیازمند آسیب‌شناسی اجتماعی‌اند. درمورد یکی از پیامدهای برخی کژکارکردها نیز تنهایی (۱۳۹۴) طی نظریه‌ای در کتابش با عنوان *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، معتقد است که اگر گروه‌های نابهنجار و ناهم‌نوا در داخل یک نظام ارزشی باقی بمانند، کارکردهای منفی آن‌ها می‌تواند به تدریج به کارکردهای مثبت تبدیل شوند (تنهایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۴).

رابرتسون در کتابش با عنوان *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی*، معتقد است که کژکارکردها یا انحرافات در جامعه می‌توانند در کنار آثار منفی خود همانند

ازهم‌گسیختگی نظم اجتماعی و گسترش سلب اعتماد، پیامدهای مثبت نیز داشته باشند و باعث وضوح هنجارها و کارکردها، تقویت انسجام گروهی در مقابل انحرافات و تشخیص مشکلات شود (رابرتسون، ۱۳۷۲، صص. ۲۰۰-۲۰۲). در تکمیل این نظریه می‌توان بیان کرد، زمانی که یک آسیب اجتماعی در ارتباط نزدیک با موقعیت‌های هنجاری قرار می‌گیرد، قابلیت تشخیص پیدا می‌کند و به این دلیل آسیب محسوب می‌شود که در تمهید و تدارک اموری که از لحاظ اجتماعی موردانتظار و از لحاظ اخلاقی مطلوب تلقی می‌شود، وقفه ایجاد می‌کند.

۳. روش تحقیق

مطابق با ماهیت پژوهش حاضر در حیطه تاریخ اجتماعی، گردآوری اطلاعات تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شد. در این مطالعه با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی به‌عنوان کامل‌ترین روش معمول در حوزه علوم انسانی (به معنای ایجاد تلفیق میان اخبار و گزارش‌های روایی یک رویداد به کمک نقد و بررسی، کشف واقعیت، اعتمادنکردن به همه نقل‌قول‌ها و تحلیل با نگرش عقلانی) (میرجعفری، ۱۳۹۰، ص. ۶۴)، استفاده از کتب، مراجع و منابع علمی داخلی و خارجی و تحلیل و بررسی عمیق آن‌ها تلاش شده است تا مجموعه‌ای از مستندات مرتبط با موضوع اصلی مقاله یعنی بررسی عوامل مؤثر بر تداوم برخی کارکردها و بروز کژکارکردها در سیر تحولی قهوه‌خانه‌ها در دوره‌های صفویه و قاجار از منظر اجتماعی، بررسی و سپس استخراج و استنتاج شود. توجه به علیت تاریخی در شکل‌گیری نهادهای جامعه از مباحث مهم در فلسفه تاریخ به حساب می‌آید و ارتباط نزدیکی با مسئله تبیین در تاریخ دارد (صادقی علی‌آبادی، ۱۳۸۲، صص. ۱۲۶-۱۲۷). در تحقیقاتی که ماهیت اجتماعی دارد، معمولاً به لحاظ روشی، یکی از سه استراتژی پژوهشی (تطبیقی کمی، تطبیقی-تاریخی و مطالعه موردی) مدنظر قرار می‌گیرد (طالبان، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۷). از آنجاکه «روایت‌پردازی» موجب افزایش ابهام و کاهش دقت و وضوح در تحلیل علی می‌شود، به نظر

می‌رسد پژوهش‌های مبتنی بر تلفیق اسمی-ترتیبی شکل دقیق‌تری از ارزیابی فرضیه را در مقایسه با تحقیقات تطبیقی-تاریخی ارائه می‌دهند؛ با وجود این، از دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان تاریخی، محروم‌سازی تحقیق از تحلیل روایی می‌تواند به شکل‌گیری استدلال‌هایی منجر شود که در آن‌ها به فرایندهای پرحادثه و مهم، توالی حوادث و مناسبت زمانی رخدادها توجه کافی نمی‌شود (طالبان، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۳)؛ بنابراین قهوه‌خانه‌ها در ایران عصر صفوی، متأثر از گسترش مناسبات خارجی در سایه مبادلات تجاری، محفلی را برای روشنفکران و طبقه بالای جامعه فراهم آوردند و به سرعت تحت تأثیر عناصر فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی جامعه صفوی در میان اقشار مختلف گسترش یافت و شکل عمومی‌تری یافت.

درواقع، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی مرتبط با موضوع و تحلیل آن‌ها، امکانی برای پردازش، استنتاج و صورت‌بندی رابطه کارکردها و کژکارکردها فراهم نموده و از این طریق، تبیین و مفهوم‌پردازی روشن‌تری از متغیرهای بررسی شده ارائه می‌نماید. در پایان نیز درباره نتایج به شکل تحلیلی و بر مبنای سؤال اصلی پژوهش بحث شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. کارکرد قهوه‌خانه‌ها در دوره صفوی و قاجار

قهوه‌خانه‌ها یکی از عناصر فرهنگی بود که در ابتدا از سرزمین‌های عربی به عثمانی و سپس به ایران راه یافتند و با روی کار آمدن دولت صفویه و ثبات نسبی سیاسی و اجتماعی ایجادشده در جامعه ایران، به‌عنوان یکی از نهادهای نوظهور اجتماعی گسترش یافتند و گونه جدیدی از معاشرت‌های شهری را شکل دادند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که اولین قهوه‌خانه‌های صفوی در قزوین به کمک دو برادر آلمانی که برای آموزش ارتش به ایران آمده بودند، در دوره شاه طهماسب تأسیس شد و به تدریج تحت تأثیر سنت‌های ایرانی قرار گرفتند (دادور، ۲۰۱۶، ص. ۱۰؛ قاسمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶). نخستین بار، پس از آن در زمان

شاه‌عباس اول که پایتخت صفوی از قزوین به اصفهان تغییر یافت، قهوه‌خانه‌ها در میادین اصلی شهر در مجاورت مدارس، مساجد (متی، ۱۹۹۴) و سپس در بازارچه‌ها و محلات مختلف اصفهان در مجاورت نانویی‌ها، قصابی‌ها، بقالی‌ها، کارگاه‌های صنعتی و مسافرخانه‌ها که کانون جمعیت بیشتری از مردم بودند، تداوم یافتند (بلوک‌باشی، ۱۳۹۳، ص. ۸). قهوه‌خانه عرب در زمان شاه‌عباس اول، قهوه‌خانه بابا عرب در زمان شاه صفی (نصرآبادی، ۱۳۶۱، صص. ۲۰۸، ۳۵۷)، قهوه‌خانه جنب دارالشفاء در بازار قیصریه و قهوه‌خانه شمس تیشی در خیابان چهارباغ که به دستور شاه‌عباس دوم ساخته شده بود، از جمله معروف‌ترین قهوه‌خانه‌های درون‌شهری اصفهان محسوب می‌شدند، اما اکنون به دلایل مختلف از هیچ‌کدام اثری باقی نمانده است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص. ۹۹). قهوه‌خانه‌ها در آغاز عمومیت نداشتند. این مکان‌ها صرفاً به طبقات متوسط روبه‌بالا و سرشناس از میان مردان در جامعه شهری صفوی اختصاص داشتند، اما به تدریج با افزایش تجارت و شهرنشینی، قهوه ارزان‌تر شد و در نتیجه قابل دسترسی بیشتری برای سایر اقشار شد. افرادی که جهت سپری کردن اوقات فراغت، داستان‌سرایی و نوشیدن قهوه و... به این مراکز مراجعه می‌نمودند (متی، ۱۹۹۴). قهوه‌خانه‌ها در عصر قاجار از زمان ناصرالدین‌شاه، به‌ویژه در تهران با قهوه‌خانه پهلوان نایب، یوزباشی، پنجه (پنجاه) باشی، لوطی اکبر و ده اکبر که بیشتر در محلاتی از جمله ارگ، دولت، حسن‌آباد، سنگلج، قنات‌آباد، محمدیه، عودلاجان و شهرنو واقع بود، در جوار بازارها، محله‌ها و در کنار مجموعه‌ای از واحدهای مهم صنفی آغاز شد و به تدریج به سایر شهرهای بزرگ و منزلگاه‌های میان‌شهری جهت استراحت موقت مسافران تداوم یافت (شهری، ۱۳۶۷، ص. ۳۹۹؛ احصاییه، ۱۳۱۲، ص. ۱۰۰؛ محمودی و قاسمی، ۱۳۹۱، ص. ۳). سیاحانی همچون ادوارد براون و بنجامین که در دوره قاجار به تهران سفر کردند، از چایخانه‌هایی یاد کردند که به تعبیر بلوک‌باشی، همان قهوه‌خانه‌ها بوده است (بلوک‌باشی، ۱۳۹۳، ص. ۴۴). عین‌السلطنه در روزنامه خاطرات خود سیر تطور قهوه‌خانه‌ها را در زمان ناصرالدین‌شاه را به سمت رکود و توقف گزارش کرده است؛ زیرا شاه به علت

برخی شرارت‌هایی که در قهوه‌خانه‌ها روی می‌داد و تأثیر این اماکن بر ترغیب مردان به بیکارگی، حکم تعطیلی حدود سیصد و شصت قهوه‌خانه را در تهران صادر کرد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ص. ۲۱۱). گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که این محدودیت‌ها و تعطیلی‌ها دائمی نبودند و شاه پس از بازگشت از سفر دوم خود دستور بازگشایی این مراکز را صادر کرد و دوباره در سال ۱۳۰۳ هـ ق به منظور جلوگیری از مفاسد اجتماعی دستور به تعطیلی آن‌ها در سراسر کشور داد. سه سال بعد از این جریان در زمانی که شاه در سفر سوم خویش در فرنگ اقامت داشت، طی تلگرافی دستور مجدد بازگشایی آن‌ها را صادر کرد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ص. ۲۱۱).

تاریخچه قهوه‌خانه‌ها در ایران نشان می‌دهد که در دوره‌های صفوی و قاجار، این مراکز کارکردهای متعددی داشتند. به نوشته رایس (۱۳۸۳، ص. ۱۴۵)، در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار علاوه بر نوشیدن چای و خوردن غذا، سایر کارکردها از جمله گفت‌وگو، بازی، تسویه حساب ورشکستگان، آشتی دادن افراد، استراحت و نقالی نیز معمول بود که نشانگر کارکردهای سیاسی، تفریحی-فراغتی، اقتصادی و اجتماعی قهوه‌خانه‌ها به موازات یکدیگر است. در این پژوهش با توجه به اهمیت این کارکردها در اثر و پیامدی که در ثبات و بقای خرده‌نظام‌های اجتماعی شکل گرفته ایفا می‌کنند، به شکل مبسوط بررسی علی و معلولی خواهند شد.

۴. ۱. ۱. کارکرد تفریحی-فراغتی

اوقات فراغت پدیده‌ای است که معمولاً در ارتباط متقابل با اوقات کار و اشتغال شکل می‌گیرد. از دوره صفوی، قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از فضاهای گذران اوقات فراغت مطرح شدند؛ در واقع، از این زمان به بعد، سرگرمی و تفریح مهم‌ترین کارکرد این اماکن بوده است (جمالی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۴). اولناریوس از جمله سفرنامه‌نویسانی است که ضمن توصیف مشاهداتش از فضای قهوه‌خانه‌های ضلع شمالی میدان نقش جهان اصفهان، به کارکرد فراغتی، بازی و سرگرمی قهوه‌خانه‌های عصر صفوی اشاره دارد. او چنین می‌نویسد: «مردم در ضمن

نوشیدن چای به بازی تخته‌نرد و همچنین شطرنج نیز مشغولند». وی در ادامه می‌نویسد: «ایرانی‌ها شطرنج را نسبت به روس‌ها بامهارت بیشتری بازی می‌کنند و دارای تمرین بسیارند و ادعا می‌کنند که این بازی را برای اولین بار، ایرانی‌ها ابداع نموده‌اند» (اولتاریوس، ۱۳۶۳، ص. ۲۴۱).

در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی به لحاظ اجتماعی، انواع نمایش‌ها و بازی‌های معمول آن روزگار رواج داشت^۱ که زیر نظر منصبی به نام «مشعل‌دار باشی» اداره می‌شد (محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۲). در عصر قاجار نیز به همان میزان که بر تعداد قهوه‌خانه‌ها افزوده می‌شد، بر جمعیت و مراجعات مردم به آنجا نیز افزوده شد و در مقایسه با قهوه‌خانه‌های دوره صفوی بازی‌های بیشتری در آنجا برای سرگرم کردن مردم انجام می‌شد. برخی از این بازی‌ها که متفاوت با دوره قبل بود، عبارت‌اند از: «سخنوری»، «تقلیدگری» و «پادشاه‌وزیری» (شهری، ۱۳۶۷، ص. ۴۹۲). قهوه‌خانه‌های کوچک‌تر این سرگرمی‌ها را نداشتند، اما بازی‌های دیگر از جمله لنگ‌بندان، حافظ‌خوانی، ترنابازی، پادشاه‌وزیری و تقلیدچیان از دیگر بازی‌های معمول قهوه‌خانه‌های تهران عصر قاجار محسوب می‌شدند (شهری، ۱۳۶۷، صص. ۴۰۵-۴۰۶؛ بیضایی، ۱۳۴۴، ص. ۱۷۹؛ جمالی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴).

در دوره قاجار، قهوه‌خانه‌ها فضاهای سرباز مزین به انواع حوض‌ها و باغچه برای پذیرایی مشتریان در فصل‌های گرم سال بودند که به لحاظ تطور کارکرد تفریحی-فراغتی اهمیت دارند (بلوک‌باشی، ۱۳۹۳، صص. ۵۰-۵۱). شایان ذکر است که در دوره مظفری با ورود گرامافون، این صنعت به قهوه‌خانه‌ها نیز راه یافت و صاحبان قهوه‌خانه‌ها توانستند از این راه مشتری بیشتری جذب کنند (رایس، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۵).

در نگاهی مقایسه‌ای میان بازی‌های قهوه‌خانه‌های دوران صفوی و قاجاری می‌توان برداشت کرد که ماهیت بازی‌های رایج قهوه‌خانه‌های عصر صفوی، همچون شطرنج، پیچاز و

۱. بازی‌هایی همچون گنجفه، تخته نرد، شطرنج (طاهری، ۱۳۵۴، صص. ۳۲۶-۳۲۷)، پیچاز که ارامنه از اروپا به ایران آورده بودند، آس و ترنابازی از این قبیل بودند (نیموری و جمالی، ۱۳۹۰، صص. ۱۳۳-۱۳۴).

گنجفه به گونه‌ای بود که به ابزار از جمله تاس، مهره و صفحه نیاز داشت، اما در بازی‌های معمول عصر قاجار به جز بازی پیچاز که صفحه ماهوتی شبیه شطرنج داشت و در دوره ناصری علاوه بر درباریان به میان عوام نیز راه یافت، سایر بازی‌های عصر قاجار از جمله ترنابازی، پادشاه‌وزیری، سخنوری، تقلیدچی‌گری، لنگ‌بندان، حافظ‌خوانی و... بدون نیاز به ابزاری خاص، بیشتر شکل نمایشی و خلاق گونه داشت و جمعیت بیشتری را به سمت قهوه‌خانه‌ها روانه می‌کرد؛ این موضوع به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش تعداد قهوه‌خانه‌ها و کارکردهای اجتماعی آن در مقایسه با دوره صفوی مدنظر است.

۴.۱.۲. کارکرد مذهبی

با توجه به نقش مذهب به عنوان عاملی تأثیرگذار بر سبک زندگی مردم، دین نقش انکارناپذیری در قلمرو تغییرات اجتماعی دارد. در جامعه ایرانی علاوه بر مساجد و تکیه‌ها در فضاهای شهری، فضاهای دیگری نیز وجود دارند که در موقعیت‌ها و زمان‌های خاص (جشن‌ها و اعیاد دینی) میزبان برگزاری مراسم‌های مذهبی و دینی هستند (فکوهی، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۳). قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از فضاهای شهری در جامعه ایرانی، عموماً همراه و همگام با آرمان‌ها، باورها و گرایش‌های عامه مردم جامعه حرکت می‌کردند و برنامه‌های فرهنگی - مذهبی خود را مطابق با سال‌شمار تقویم ایرانی - اسلامی در طول سال تنظیم می‌کردند؛ بنابراین کارکرد مذهبی قهوه‌خانه‌ها را می‌توان از منظر جامعه‌شناسی دینی مدنظر قرارداد.

در دوره صفویه با توجه به نقش پررنگ اعتقادات دینی و مذهبی شیعی در ارکان حکومت و مناسبات جامعه ایرانی، قهوه‌خانه‌ها به عنوان یکی از فضاهای شهری نوظهور از این قاعده مستثنا نبودند و برخی از قهوه‌خانه‌ها به ویژه در ماه‌های سوگواری محرم و صفر همچون تکیه و حسینیه‌ها، فضاهای سرپوشیده و باغچه‌های خود را با کتیبه‌های پارچه‌ای یا پارچه‌های سیاه، علم، بیرق و... می‌آراستند. قهوه‌خانه‌هایی که باغچه و فضای کافی و مناسب داشتند، در دهه اول محرم، مجالس تعزیه‌خوانی یا شبیه‌خوانی برگزار می‌کردند و قهوه‌چیان

که غالباً به لایه‌های پایین جامعه متعلق بودند، اجرای مناسک مذهبی را سخت باور داشتند و بر آن‌ها نظارت می‌کردند. در دوره قاجار با گسترش مذهب تشیع کارکردهای مذهبی قهوه‌خانه‌ها نمود روشن‌تری یافت. در ماه مبارک رمضان، بنا به حرمت این ماه، روزها قهوه‌خانه‌ها بسته می‌شد و هنگام افطار تا سحر باز می‌شد (بلوک‌باشی، ۱۳۹۳، ص. ۹). در ایام جشن‌ها و اعیاد مذهبی نیز از جمله عید نیمه شعبان یا میلاد امیرمؤمنان امام علی (ع)، آذین‌بندی و چراغانی و بزم و شادی در قهوه‌خانه‌ها مرسوم بود (همان، ۸۵). این نوع خاص از تعطیلی‌ها به مناسبت‌های مذهبی به‌ویژه در ماه مبارک رمضان و برخی از سنت‌های دینی همچنان در بستر زمان تداوم یافت و امروزه نیز شاهد تثبیت سنت‌های مذهبی در زیست‌بوم فضاهای قهوه‌خانه‌ای هستیم.

در عصر قاجار، کارکرد مذکور با همان اهداف، علاوه بر قهوه‌خانه‌های ثابت درون‌شهری در قهوه‌خانه‌های موقت بین‌شهری نیز گسترش یافت که آثار آن در اکثر خیابان‌های شهرهای مختلف ایران همچنان تا امروز باقی‌مانده است.

فرد ریچاردز (۱۳۹۰، صص. ۱۵۳-۱۵۴) در سفرنامه‌اش زمانی که قهوه‌خانه‌های صحرائی بین راه را توصیف می‌کند، به کارکرد مذهبی آن‌ها نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «... تا چند سال قبل، زوار در آغاز مسافرت طولانی و خطرناک خود صحنه‌های وداع را در این قهوه‌خانه‌ها ترتیب می‌دادند و در همین اماکن بود که حاجی‌ها پس از اینکه از سفر مشهد و کربلا و مکه به سلامت بازمی‌گشتند، سیلی از دروذهای فراوان به آنان نثار می‌شد و عده خویشاوندان و دوستانی که به استقبال زائر می‌آمدند، برحسب اهمیت وی و میزان احترامی که برای او قائل بودند، تغییر می‌کرد».

در ادامه بحث درباره کارکرد مذهبی قهوه‌خانه‌ها، از تأثیر کارکردهای هنری بر ایجاد پیوند میان دو کارکرد مذهبی و هنری با یکدیگر، نباید غافل ماند. در دوره قاجار نقش هنر به‌ویژه نقاشی در پیشبرد مضامین مذهبی در قهوه‌خانه‌ها نمود بارزتری یافت؛ به‌طوری‌که به مضامین پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای با موضوعات مذهبی مانند نبردهای معروف امام علی

(ع)، واقعه کربلا و... به عنوان برنامه اصلی و مهم پیوند کارکردهای مذهبی و هنری می توان اشاره کرد.

۴. ۱. ۳. کارکرد هنری

از کارکردهای درخور توجه قهوه‌خانه‌ها در مقوله تاریخ اجتماعی، کارکرد هنری و به‌ویژه تأثیرگذاری آن بر فن نقاشی بود. این کارکرد، همواره در پیوند با دیگر کارکردها از جمله جنبه‌های تفریحی، آیینی و هنری بوده است.

سابقه تاریخ نقاشی قهوه‌خانه‌ای به اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار برمی‌گردد. قدیمی‌ترین پرده عاشورا، به نقاشی به نام «ناطق» متعلق است که در دوره زندیه مصور شده است (عنصری، ۱۳۸۲، ص. ۹۵). قبل از آن، در دوره صفویه به دلایلی از جمله رواج نقالی در قهوه‌خانه‌ها برای انتقال فرهنگ ملی و مذهبی به مردم و همچنین اعزام برخی نقاشان شاخص از جمله محمد زمان به اروپا در این دوره، به‌ویژه از دوره شاه‌عباس دوم به بعد، فرهنگ نقاشی دچار رکود شده بود؛ از این رو در دوره صفویه نقاشی قهوه‌خانه‌ای در عمل جایگاهی نداشته است، اما در دوره قاجار، عده‌ای از نقاشان با اعتقاد به ضعف اوضاع حاکم در بی‌توجهی به فرهنگ غنی ایران و هویت ملی، به رواج‌دادن سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای پرداختند. این نکته را در بخش هنری می‌توان از جمله تفاوت‌های قهوه‌خانه‌ها در دوران قاجار و صفوی دانست.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ کارکرد هنری قهوه‌خانه‌ها با سایر کارکردها به‌ویژه کارکرد مذهبی، در دوره قاجار اصلی‌ترین موضوعات نقاشی قهوه‌خانه‌ای را داستان‌های شاهنامه، وقایع کربلا، قصص قرآن، زندگی روزمره مردم کوچه و بازار و آداب و سنت‌ها تشکیل می‌دادند. در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، مضمون‌های حماسی شاهنامه و وقایع مذهبی و ملی، فراوان یافت می‌شود. به‌طور کلی، موضوعات مذهبی، رزمی و بزمی سه موضوع اصلی نقاشی قهوه‌خانه‌ای است (ساریخانی، ۱۳۸۴، ص. ۲۷) که در قالب داستان‌های شاهنامه فردوسی و وقایع تاریخ اسلام خودنمایی می‌کند (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۱۰). واقعه عاشورا یا جنگ

رستم و سهراب از معروف‌ترین آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای است (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۳۱).

ترکیب‌بندی رنگ‌ها در نقاشی قهوه‌خانه‌ای براساس خیالی بودن تصاویر، آرمانی است و به لحاظ اجتماعی، ملاحظات این نقاشان در نقش‌پردازی‌ها و به نقش در آوردن مضامین و موضوع‌ها، غالباً از یک آرمان جمعی پیروی می‌کرده و نشئت‌گرفته از الگوهای رفتاری و نظام‌های دینی-عقیدتی جامعه سنتی آن روز بوده است. بزرگی و کوچکی تصاویر به نقش اشخاص در داستان مربوط است. شخصیت‌های مهم و برجسته در مرکز بوم و افراد نقش‌آفرین کوچک‌تر در حاشیه قرار می‌گرفتند (میرمصطفی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹). در واقع، این همان تعبیر «مقامی» و «منتشر» بودن در این تابلوها است؛ یعنی در شخصیت‌های مقامی که اغلب شامل پرده‌های درویشی است، شخصیت ائمه درخشان‌تر و بزرگ‌تر از سایر شخصیت‌ها طراحی و رنگ‌آمیزی شده و سایر شخصیت‌ها در اطراف و حاشیه واقع می‌شوند، اما در نوع منتشر، چشم بر نقطه مشخصی از تصویر متمرکز نمی‌شود؛ بلکه در جای‌جای تصویر حرکت می‌کند (حسینی، ۱۳۸۲، ص. ۶۵). به لحاظ ترکیب رنگ‌پردازی، نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای تابع روش ترکیب‌بندی است و رنگ‌ها برای تفنن به کار نمی‌روند؛ بلکه هر رنگی با خود حرمت و نشانی دارد (میرمصطفی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹). سبز، علامت تقدس، زرد، نشانه پریشان‌حالی و سرخ، نماد ستمگری و خشم و در ابعاد مذهبی، نشانه سرخی خون شهید است (شایسته‌فر، ۱۳۸۸، صص. ۷۰-۷۱). پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای دوره قاجار، به دلیل نیاز آیینی مردم، بیش از هر نقاشی دیگری توانستند با عموم مردم ارتباط برقرار کنند و این رابطه تنگاتنگ باعث شد تا باورهای شفاهی و انتظارات آیینی و دینی مخاطب به حوزه‌ی مصورسازی وارد شود و نقاش آن را به تصویر درآورد.

درباره‌ی این مسئله که فرجام نقاشی قهوه‌خانه‌ای چه شد، نظریه‌های مختلفی وجود دارد، اما کسانی همچون فرزین معتکفی (۱۳۹۳، صص. ۱۲۸-۱۲۹) به دلیل نبود جایگزین مناسب و درخور، این فرجام را بسیار تأسف بار خوانده است. به نظر وی، این نقاشی‌ها در مواجهه با

اولین موج رادیو و تلویزیون و متعاقب آن با ازدست‌دادن بخشی از مخاطبان پرشور از هم پاشیده شدند.

۴. ۱. ۴. کارکرد فرهنگی-ادبی

کارکردهای قهوه‌خانه‌ها در مقوله فرهنگ و ادب و تأثیر آن بر حیطه مناسبات اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. مطابق تذکره نصرآبادی به‌عنوان معتبرترین منبع درباره کارکرد ادبی قهوه‌خانه‌ها در دوره صفوی، قهوه‌خانه در این دوره صرفاً جایگاه اهل فضل و دانش، ادب و شعر و موسیقی بودند و همه اقشار مردم اجازه ورود به آن را نداشتند؛ حتی شاه‌عباس هم گهگاهی به آنجا می‌رفت (نصرآبادی، ۱۳۶۱، ص. ۴۶۰). شایان ذکر است که تذکره مذکورالاصحاب پس از تذکره نصرآبادی، از منابع مهم درباره نقد و تحلیل اشعار قهوه‌خانه‌ای صفوی به شمار می‌رود، ولی سایر منابع در این زمینه سکوت پیشه کرده‌اند. شاید به این علت که بخشی از تذکره‌نویسان در هند و به دور از فضای قهوه‌خانه‌ها بودند (نیکوبخت، ۱۳۹۴، صص. ۱۵۱-۱۵۲).

محیط باصفا و صمیمی قهوه‌خانه با حضور مردمانی که با شوق و علاقه زیاد برای نوشیدن قهوه و شنیدن این اشعار به آنجا وارد شده بودند، زمینه را برای ترقی فن نقالی آماده کرد. یکی از مهم‌ترین مراکز شاهنامه‌خوانی، قهوه‌خانه‌ای در چهارباغ اصفهان بود که برای شخصی به نام باباشمس ساخته شده بود. عبدالرزاق قزوینی، ملاپیشخودی، ملأ مؤمن کاشی یکه‌سوار، حسین صبوحی خوانساری و میرزاحمد فارس بواناتی از جمله این شاهنامه‌خوانان و حمزه‌نامه‌خوانان بودند. برخی از نقاله‌خوانان صفوی با تصنیف و موسیقی نیز آشنا بودند. ملاحسین صبوحی از جمله نقالان صفوی بود که چهارتار می‌نواخت و تصنیفی در نغمه بیات ساخته بود (بلوک‌باشی، ۱۳۷۵، ص. ۸۸). در واقع، می‌توان گفت که در عرصه تاریخ فرهنگ ایران، زبان فارسی، شعر و تحلیل شعر، بیشتر به‌عنوان یک موضوع اجتماعی مطرح بوده است و در مجموع این شرایط، زمینه را برای ترقی فن نقالی هموار کرد. به نوشته تقی‌الدین اوحدی، برخی از شعرای درباری از جمله امینای نجفی شاعر و ادهم‌بیک ترکمان

آنچه را از راه شعر و شاعری به دست می‌آوردند، به راه‌های لهو و لعب و بیهوده در قهوه‌خانه‌ها خرج می‌کردند (اوحدی حسینی، ۱۰۲۲ ه.ق، ص. ۲۴).

در قهوه‌خانه‌های صفوی، رسم بر این بود که نقالی‌های خود را بر نسخ خطی می‌خواندند. این نسخه‌ها، غالباً بدسلیقه و به خط بد و بسیار پر غلط به نظر می‌رسید که نقالان متقدم احتمالاً با همان سواد اندک خود نوشته بودند؛ البته نمی‌توان این اظهار نظر را به کل نسخه‌های نقالی و طومار نقالان تعمیم داد (عناصری، ۱۳۸۲، مقدمه مؤلف، صص. ۵-۶). در قهوه‌خانه‌های صفوی سبک جدیدی از قصه‌خوانی در قالب روایت‌های تاریخی داستان‌گونه درباره شاه اسماعیل و شاه طهماسب رواج یافت (جعفریان، ۱۳۸۹، ص. ۸۶۰). اولتاریوس (۱۳۶۳، ص. ۲۴۱)، از سفرنامه‌نویسان عصر صفوی، ضمن توصیف این مقاله‌خوان‌ها، تلاش آن‌ها را برای ایجاد تخیل در شنوندگان به اجراهای شعبده‌بازان و تردستان شبیه دانسته است.

در دوره قاجار نیز فن نقالی با حفظ برخی اشتراک‌ها با نقالی‌های دوره صفوی، اما تفاوت‌های معدودی که این تفاوت‌ها بیشتر ناشی از تأثیرات سیاسی و فرهنگی عصر خود بود، ادامه یافت و باعث جذب هرچه بیشتر توده‌های مردم به این پایگاه اجتماعی شد. نقالان قهوه‌خانه‌های قاجاریه به شکل نمایش‌وار و باتکیه‌بر حافظه خود یا باتکیه‌بر متنی که در دست داشتند، برحسب موضوعاتی که نقل می‌کردند، به سه گروه داستان‌سرایان شاهنامه‌ای، داستان‌سرایان قصه‌های تاریخی-افسانه‌ای (همچون اسکندرنامه) و داستان‌سرایان حماسه‌ها (مانند حمزه‌نامه) تقسیم می‌شدند (بلوک‌باشی، ۱۳۹۳، صص. ۹۰-۹۱). تا زمانی که اعتمادالسلطنه کتاب خود با عنوان *منتظم ناصری* را در عصر قاجار به رشته تحریر درنیاورده بود، آگاهی‌های مردم از ایران باستان به نقالی‌های قهوه‌خانه‌ای بر اساس داستان‌های شاهنامه فردوسی محدود بود و این موضوع اهمیت بسزای کارکرد ادبی قهوه‌خانه‌ها در عصر قاجار و نقش آن‌ها در ارتقای سطح اطلاعات عموم را نشان می‌دهد. نکته دیگری که توسعه و تکامل

نقالی قهوه‌خانه‌های قاجار را در مقایسه با دوره صفویه نشان می‌دهد، توجه به تلاش نقالان قاجاری در برقراری پیوند هرچه بیشتر نقالی با طبقات مختلف اجتماعی این دوره است. گاهی در گزاره‌های تاریخی، عاملی باعث تأثیرگذاری بر عوامل دیگر می‌شود. مصداق این سخن که موضوع پژوهش حاضر است، تأثیر قهوه‌خانه‌ها بر رشد نقالی است و رشد نقالی نیز عاملی تأثیرگذار بر ارتباط قهوه‌خانه و زورخانه‌ها در دوره قاجار شد. زورخانه‌ها، خود نهادهایی بودند که آیین پهلوانی را در میان مردم گسترش می‌دادند و محل تلاقی ویژگی‌های دینی و حماسی بودند (معتکفی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۱). در نقالی‌های قهوه‌خانه‌ها دلاورمردی‌های امام علی (ع) یا پهلوانان شاهنامه توصیف می‌شد، بنابراین از همان آغاز، حرمت گذاشتن به کیان و آبروی قهرمانان جنگ‌ها و به‌طورکلی پهلوانان به یک سنت در قهوه‌خانه‌ها تبدیل شد و به‌عنوان یک ارزش در جامعه زمان خود نیز رواج یافت. بی‌علت نیست که به‌منظور قدردانی از پهلوانان، عکس‌هایی از آن‌ها بر دیوار قهوه‌خانه‌ها خودنمایی می‌کرد. برخی از پهلوانان عصر قاجار از جمله پهلوان شعبان یزدی، حاج محمد صادق بلورفروش، پهلوان حاج سید رزاز و غلامرضا تختی، از جمله پهلوانان مشهور ایران معاصر بوده‌اند که نام آن‌ها باعث هرچه بیشتر گره‌خوردن دو نهاد قهوه‌خانه و زورخانه‌ها شده است (بلوک‌باشی، ۱۳۷۵، صص. ۱۲۹-۱۳۲).

در نگاهی تحلیلی به علل رواج فن نقالی و به‌ویژه شاهنامه‌خوانی در قهوه‌خانه‌های دوره‌های صفوی و قاجار، یکی از علل اجتماعی مؤثر بر دوره صفوی، وجود یک گروه خاص نظامی (قزلباش) در جامعه صفویه در مرکز بود که وظیفه اساسی آن‌ها، شرکت در جنگ‌ها و آماده نگه‌داشتن روحیه جنگی بود. در دوره قاجار نیز به علت تداوم نظام فتوادی در ایران و محل اجتماع بودن قهوه‌خانه‌ها و نبود وسایل تفریح، شاهنامه‌خوانی در این اماکن پایدار ماند و همچنان شاهنامه به‌وسیله قهوه‌خانه و توسط خوانندگان زبردست آن، تنها ابزار روحیه دادن به مردم و برانگیختن روحیه مردانگی در آنان و آشناکردن آن‌ها با سنن قومی ایران شد.

۴. ۱. ۵. کارکرد سیاسی

در کنار دیگر کارکردها، مباحث سیاسی روز نیز به‌عنوان یکی دیگر از کارکردهای قهوه‌خانه‌ها از دوره صفویه قابل بررسی است. برخی از سفرنامه‌نویسان صفوی همچون تاورنیه (۱۳۶۳، ص. ۶۰۲) براساس مشاهدات خود بر این کارکرد تأکید کرده‌اند. او در سفرنامه‌اش می‌نویسد: وقتی شاه‌عباس اول، متوجه شد که مردم در قهوه‌خانه‌ها به گفت‌وگوی سیاسی و دولتی می‌پردازند و ممکن است این گفت‌وگوها به توطئه و فتنه‌انگیزی منجر شود، تدبیری به کاربرد تا از اقامت طولانی مدت آن‌ها جلوگیری کند. به دستور او هر روز صبح پیش از آنکه شخصی به قهوه‌خانه برود، خطیبی به آنجا می‌رفت و مشتریان را با گفتن مسائل دینی و نقل تاریخ و شعر سرگرم می‌کرد و بعد از دو سه ساعت از جای برمی‌خاست و از حاضران می‌خواست که به دنبال کسب‌وکار خود بروند. شاید یکی از دلایل سرکشی بی‌خبر شاه از قهوه‌خانه‌ها، کنترل دقیق، نظارت بر گفت‌وگوها و اشراف بر اوضاع سیاسی حاکم در قهوه‌خانه‌ها باشد. شاردن (۱۳۷۴، صص. ۸۴۴-۸۴۵) نیز در سفرنامه‌اش چنین گزارش می‌دهد که این ممنوعیت‌های سیاسی تا زمان شاه‌عباس دوم ادامه یافت و او این موضوع را باعث بهبود اوضاع قهوه‌خانه‌ها از این زمان به بعد دانسته است. شاید به دلیل همین ملاحظات سیاسی بود که قهوه‌خانه‌ها در آغاز در زمان صفویان، مکانی اختصاصی برای اشراف بود تا مکانی عمومی، اما در دوره قاجاریه عمومیت یافت و شغل قهوه‌چی‌گری یا قهوه‌خانه‌داری در شهرهای بزرگ از جمله تهران در دوره ناصری به‌عنوان یک شغل شناخته‌شده مطرح شد.

کارکرد سیاسی به شکل پررنگ‌تری در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار تداوم یافت. این کارکرد در این دوره به‌نوعی کارکرد رسانه‌ای را به نمایش می‌گذارد؛ زیرا قهوه‌خانه‌ها مهم‌ترین پایگاه اجتماع از هر قشر و صنفی بودند که برای خواندن روزنامه و شنیدن اخبار روز گرد هم می‌آمدند و به مباحثه می‌پرداختند.

به موازات گسترش تعداد قهوه‌خانه‌ها در دوره قاجار، مسلم بود که بر نظارت‌های حکومتی افزوده می‌شد و چه بسا ترویج بساط دود و قلیان و... در قهوه‌خانه‌ها که در بخش کژکارکردها بررسی می‌شود، از جمله راه‌های کنترل و نبود مداخلات سیاسی جامعه عصر قاجار محسوب می‌شد (شهری، ۱۳۶۷، ص. ۳۹۲). با آغاز دوره مشروطه و اتفاق‌های پس از آن، کارکرد سیاسی قهوه‌خانه‌ها افزایش یافت؛ زیرا پایگاهی برای نشر اخبار روزانه و مسائل سیاسی بود. براساس توصیف سفرنامه‌نویسانی که پس از مشروطه به ایران سفر کردند، قهوه‌خانه‌ها را می‌توان «باشگاه، مرکز تجمع و کانونی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی طبقات مختلف» دانست (برد و وستون، ۱۳۷۶، ص. ۹۳)!

۴. ۱. ۶. پیوند تزیینات و عناصر کالبدی و معماری قهوه‌خانه‌ها با کارکردهای آن و دیگر فضاهای

شهری

یکی از مهم‌ترین عناصری که ارتباط با کارکردهای مذکور در قهوه‌خانه‌های صفوی و قاجار داشته است، عنصر کالبدی و آرایه‌های معماری این مراکز است که از منظر هنری و زیبایی‌شناختی درخور بررسی است. قهوه‌خانه‌های اصفهان عصر صفوی با عناصر تزیینی چون طاق‌نماها و شاه‌نشین و قرارگرفتن در کنار یکدیگر جلوه‌ای از همبستگی صنفی را به نمایش می‌گذاشتند (طاهری، ۱۳۵۴، ص. ۳۲۵).

وجود مخازن آبی و اتاق‌های متعدد با صندلی‌های بزرگ و پهن برای استراحت مسافران در برخی قهوه‌خانه‌های عصر صفوی، یادآور شباهت فضایی آن‌ها با کاروان‌سراهای این دوره است (امامی، ۲۰۱۶، ص. ۲۰۲). این مراکز در اواخر دوره صفوی با گسترش بازارها و مراکز تجاری افزایش یافت و باعث مجاورت قهوه‌خانه‌ها به کاروان‌سراها به‌ویژه در حوزه‌های برون‌شهری شد (فروزانفر، ۲۰۲۰، ص. ۱۸۴). گزارش‌های کمپفر و فرایر در توصیف

۱. در تکمیل بحث کارکردها به کارکرد نظامی آن‌ها نیز می‌توان اشاره کرد که به دلیل کم‌بودن مصادیق در متن مقاله به آن‌ها پرداخته نشد؛ به عنوان نمونه می‌توان به کارکرد نظامی یکی از قهوه‌خانه‌ها در بهبهان مربوط به دوره محمدشاه قاجار اشاره کرد (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸، ص. ۸۵).

قهوه‌خانه‌های سبزوار در خراسان و اشکذر در اصفهان مصداق این سخن است (امامی، ۲۰۱۶، ص. ۲۰۲). وجود سکوها و حوض‌ها و فواصل میان آن‌ها در قهوه‌خانه‌های اصفهان فضایی را برای اجرای نمایش‌های مردمی و نقالی‌های مرشدان فراهم می‌کرد (مشرف، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۰). چنین کارکردی در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار با الگوگیری از زورخانه‌ها نمودی از پیوند عناصر فضایی و کارکردی است. این شباهت‌ها را می‌توان در وجود عناصر مشترکی نظیر نورگیرها، سکوها، صفاها، فواره‌ها و سنگاب‌ها در این فضاها مشاهده کرد (بلوک‌باشی، ۱۳۷۵، ص. ۱۶). این وجوه شباهت، نشئت گرفته از ارائه خدمات مشابه قهوه‌خانه‌ها و حضور قهوه‌چی‌ها در حمام‌ها بوده است.

کاشی‌های برجسته نقش‌دار، ازاره دیوار (سنگ پایین دیوار)، طاق‌نماها و غرفه‌های سرپوشیده قهوه‌خانه را می‌پوشاندند. در نقش و نگارهای این دیوارها و کاشی‌ها [احتمالاً به دلیل اینکه می‌خواستند با فضای نقالی‌خوانی متناسب شود] چهره پادشاهان افسانه‌ای و تاریخی ایران یا قهرمانان شاهنامه به تصویر کشیده شده بود. نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای با مضامینی چون احوال پادشاهان، پهلوانان، مجالس رزم و بزم، رخدادهای حماسی، مذهبی نظیر جنگ‌های امام علی (ع) و واقعه کربلا (ساریخانی، ۱۳۸۴، ص. ۲۷؛ اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۱۰) بر پیوند میان عناصر تزئینی و وجوه کارکردی قهوه‌خانه‌ها دلالت دارد. افزون بر مضامین مذکور، برخی نمادها و ادوات همچون تخته‌پوست، تبرزین، کشکول و... همگی با بعد کارکردی قهوه‌خانه‌ها پیوند دارند (فلور، ۱۳۶۵، ص. ۷۹؛ بلوک‌باشی، ۱۳۹۳، ص. ۵۰).

به تدریج با ورود مظاهر نوگرایانه، ابزارها و آلات قهوه‌خانه‌ها نیز تغییر و تحول پیدا کرد؛ به این شکل که تخت و نیمکت‌های پشتی‌دار و چهارپایه چوبی، بعدها به وسایل قهوه‌خانه افزوده شد. میز و صندلی چوبی و فلزی نیز از اوایل سلطنت پهلوی و به دستور بلدیة تهران به قهوه‌خانه‌ها راه یافت و رفته‌رفته اسباب نشیمن معمول در قهوه‌خانه‌ها شد (بلوک‌باشی، ۱۳۷۵، ص. ۳۸).

جدول ۱. پیوند عناصر معماری و تزئینی قهوه‌خانه‌ها با کارکردها

کارکردها	عناصر
تفریحی-فراغتی در فصول گرم تابستان	فضای سرباز قهوه‌خانه‌ها برای پذیرایی مشتریان
تفریحی-فراغتی در فصول سرد زمستان	فضاها و سالن‌های مسقف قهوه‌خانه‌ها مجهز به نورگیرهایی در سقف یا پنجره‌هایی بر دیوارهای جانبی (به لحاظ نورگیری، الگوبرداری از معماری حمام‌ها)
ادبی، نقالی یا مرشدی و سخنوری	فضای سردم میان حوض و سکوها (الگوبرداری از معماری زورخانه‌ها)
ادبی، متناسب شدن با فضای نقالی‌خوانی با مضامین حماسی و اسطوره‌ای ایران باستان	پوشیده شدن ازاره دیوار طاق‌نماها و غرفه‌های سرپوشیده قهوه‌خانه‌ها با کاشی‌های برجسته نقش‌ونگاردار
ادبی-هنری، متناسب شدن با فضای نقالی‌خوانی مذهبی با موضوع جنگ‌های امام علی (ع) و حماسه عاشورا	نصب پرده‌های نقاشی بر دیوار قهوه‌خانه‌ها
نقالی و عناصر نمادین آیینی و فتوتی	به نمایش گذاشته شدن تخته‌پوست، تبرزین و کشکول

۲.۴. کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها

براساس مدارک موجود درباره قهوه‌خانه‌های عصر صفویه، ظاهراً به‌جز گزارشی مختصر از اولتاریوس (۱۳۶۳، ص. ۲۴۱) که درباره کژکارکردهای این دوره سخن گفته و این اماکن را محل گردآمدن مصرف‌کنندگان تنباکو و نوشندگان قهوه معرفی کرده است و همچنین گفته بلوک‌باشی (۱۳۷۵، ص. ۴۹) که از قلیان‌های قهوه‌خانه‌های صفوی به‌منظور معمول جلوه‌دادن بساط دودکشی یاد کرده است، اطلاعات دیگری در این زمینه برای قهوه‌خانه‌های این دوره موجود نیست. این دسته از قهوه‌خانه‌ها که مروج نابهنجاری‌ها بودند و بلوک‌باشی از آن‌ها با عنوان «متمرد» یاد می‌کند، متأسفانه به‌عنوان مراکز فراهم‌کننده بساط تریاک‌کشی، مسکرات، قمار و عیاشی، به‌ویژه در میان قشر کارگر و رده‌های پایین جامعه به لحاظ فرهنگی به شمار می‌رفتند (بلوک‌باشی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳).

چنانچه از بعد جامعه‌شناسی دینی به این نوع برداشت بلوک‌باشی و اولتاریوس درباره کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها نظر کنیم، به‌طور مطلق نمی‌توان آن را پذیرفت؛ زیرا بحث مسکرات، قمار و عیاشی به دلیل رویکرد دینی تشیع، حداقل در دوره صفوی که حکومت بر حفظ شعایر دینی مردم نظارت خاص داشت، نمی‌توانست در قهوه‌خانه‌ها که مالکان آن مسلمان بودند، مطرح باشد. اصولاً فروشندگان و میخانه‌ها با افراد دارای ادیان دیگر در محله‌های خاص همانند یهودی‌ها، مرتبط بوده‌اند.

اساساً مطالعه عمده درباره کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها به دوره قاجار متعلق است. این نوع از کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها در عصر قاجار تا حدی رواج یافته بود که برای تشویق هرچه بیشتر مردم به این سمت‌وسو، تریاک به شکل رایگان نیز در اختیار مشتریان قهوه‌خانه‌ها قرار می‌گرفت (کامرانی‌فر و معمار، ۱۳۹۰، صص. ۱۰۷-۱۰۸). از جمله قهوه‌خانه‌هایی که محل اجتماع شبانه‌روزی تریاک‌ها و مشروب‌خوران عصر قاجار بود، «قهوه‌خانه عرش» نام داشت که در خیابان چراغ‌برق تهران در بالاخانه‌ای نرسیده به پانچار واقع شده بود. (شهری، ۱۳۷۱، ص. ۲۷۰). علت این تشویق‌ها و ترویج‌های منفی را می‌توان بنا به تحلیل شهری (۱۳۶۷، ص. ۳۹۲)، معتاد کردن عده‌ای از مردم به منظور بازداشتن آن‌ها از امور سیاسی عصر قاجار دانست. دروویل نیز در بخشی از سفرنامه‌اش، آنجا که درباره نحوه مصرف قهوه در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار توضیح داده است، به کژکارکردهای آن نیز به‌طور مبسوط پرداخته است (دروویل، ۱۳۶۷، صص. ۹۳-۹۴). ورود عنصر نوگرایی در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار و اضافه‌شدن کافه‌ها به‌عنوان نهادهای نوین، به رواج ناهنجاری‌ها و کژکارکردهای اجتماعی دامن زد و این اماکن، علاوه بر رواج مفاسد اجتماعی که ذکر شد، محل اجتماع زنان روسپی و ملاقات‌های روزانه آن‌ها با جوانان این دوره نیز شدند (شهری، ۱۳۷۱، صص. ۳۹۵-۳۹۶). تکمیل همایون، تعداد این کافه‌ها در تهران را ۳۵ باب دانسته است، اما به روایت او ۵۱۴ باب قهوه‌خانه نیز در این شهر، به موازات کافه‌ها همچنان دایر بود و به کار خود ادامه می‌داد (تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ص. ۲۱۰).

شایان توجه است که براساس شواهد تاریخی، بعد از بازگشت ناصرالدین شاه از فرنگ و الگوگرفتن از کافی شاپ‌های اروپایی، او مجوز بازکردن کافی شاپ به سبک فرنگی را در برابر قهوه‌خانه صادر کرد تا افراد سرشناس مملکتی نیز بتوانند به همراه خانواده‌هایشان از آن استفاده کنند. در اصل، کافی شاپ‌ها که تعداد آن‌ها از جمله گراند هتل در تهران بسیار اندک بود، در برابر قهوه‌خانه‌ها که شکل عمومی برای افراد داشت، به ظهور می‌رسد.

تداوم این کژکارکردها در دوره قاجار باعث شد که به گفته ویلز، از سفرنامه‌نویسان دوره قاجار، برخی زنان از همسرانشان نزد ناصرالدین شاه به دلیل رفت‌وآمدهای مکرر آن‌ها به قهوه‌خانه‌ها و عادت به تنبلی، ولخرجی و قلیان کشیدن و... شکایت کردند (ویلز، ۱۳۶۳، صص. ۲۸۲-۲۸۳)؛ بنابراین به دستور شاه، برای مدتی قهوه‌خانه‌های تهران تعطیل شدند (صدیقی، ۱۳۹۴، ص. ۶۷). همچنین بعد از بازگشت از اتریش در سال ۱۲۹۵ هـ ق و تدوین قوانین نظمیه به سبک نوین، بر اساس ماده‌ای از این مجموعه قوانین، به جای قهوه‌خانه‌های شهر که جز اتلاف مال و سلامتی مردم فایده‌ای نداشت، مقرر شد که مجموعه‌ای ترکیبی از قهوه‌خانه‌ها، مهمان‌خانه‌ها، کتابخانه‌ها و قراول‌خانه‌ها تأسیس شود و چنانچه اخبار نزاع و درگیری در قهوه‌خانه‌ها برای شاه گزارش شود، از دو روز تا یک ماه حبس و از یک تومان تا ده تومان جریمه شوند (نوربخش، ۱۳۸۱، صص. ۹۴۴-۹۴۵).

در دوره قاجار برخی آداب اجتماعی مرسوم در شهرهای بزرگ از جمله تهران به‌طور کلی متأثر از برخی کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها بود. توصیف اوزلی در سفرنامه‌اش از مهمانی‌های تهران عصر قاجار مبنی بر تقدم تدارک قلیان بر صرف چای و نهار در آغاز مهمانی‌ها و خاتمه‌یافتن آن نیز با استفاده از قلیان را می‌توان نشانه‌هایی از تأثیر کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها بر برخی آداب اجتماعی آن روز دانست (اوزلی، ۱۸۲۳، صص. ۱۴۱-۱۵۱).

ورود عنصر نوگرایی در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار و اضافه‌شدن کافه‌ها در کنار آن‌ها به رواج ناهنجارها و کژکارکردهای اجتماعی دامن زد و این اماکن علاوه بر رواج اعتیاد، محل اجتماع زنان روسپی و ملاقات‌های روزانه آن‌ها با جوانان این دوره نیز شدند. گاهی میان این

کژکارکردها با کارکرد سیاسی در عصر قاجار ارتباط وجود دارد. همان گونه که در بخش کارکردهای سیاسی نیز بیان شد، به نظر برخی محققان از جمله شهری (۱۳۶۷) این پیوند را می‌توان از منظر تشویق و ترویج اعتیاد در میان عموم، برای بازداشتن آن‌ها از امور سیاسی این دوره تحلیل کرد (شهری، ۱۳۶۷، ص. ۳۹۲). کارکردهای منفی قهوه‌خانه‌ها هیچ‌گاه نتوانست تحت‌تأثیر کارکردهای مثبت قرار گیرد و همچنان با کم‌رنگ کردن نظام‌های ارزشی، هویتی و مذهبی به مسیر خود ادامه داد.

جدول ۲. تداوم و تحول کارکردها و کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها در دوره‌های صفوی و قاجار

ایران عصر قاجار	ایران عصر صفوی	کارکردها و کژکارکردها
<p>۱. رواج بازی‌های نمایشی و خلاقانه جدید بدون نیاز به ابزار خاص</p> <p>۲. عمومی شدن این نوع بازی‌ها در سطح جامعه متناسب با ذوق و روحیه مردم همان محله</p>	<p>۱. رواج دو نوع از بازی‌ها: الف- بازی‌های نیازمند ابزار تاس، مهره و صفحه ب- رواج بازی‌های نمایشی زیر نظر منصبی به نام مشعل‌دار باشی</p> <p>۲. محدود بودن این نوع بازی‌ها به قهوه‌خانه‌های سلطنتی</p>	کارکرد تفریحی - فراغتی
<p>۱. اضافه‌شدن قهوه‌خانه‌های موقت با اهداف مذهبی</p> <p>۲. تداوم عزاداری‌های ماه محرم و برگزاری جشن‌های مهم ملی و مذهبی و مراسم استقبال از زائران سفر حج</p>	<p>۱. برگزاری مناسک مذهبی در قهوه‌خانه‌های ثابت:</p> <p>الف- مجالس تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی در ایام محرم و حفظ حرمت‌های مذهبی در ماه مبارک رمضان</p> <p>ب- جشن‌ها و اعیاد مذهبی</p>	کارکرد مذهبی
<p>۱. تداوم نقالی‌خوانی‌ها باهدف حفظ روحیه نظامی و مردانگی</p> <p>۲. تفکیک‌شدن نقاله‌خوان‌ها به سه گروه داستان‌سرایان حماسی، تاریخی و مذهبی باتکیه‌بر حافظه و همراه با حرکات موزون نمایشی</p>	<p>رواج فن نقالی باهدف حفظ زبان فارسی و خوانده‌شدن داستان‌های مذهبی و حماسی توسط نقالان باتکیه‌بر نسخ خطی</p>	کارکرد فرهنگی - ادبی

کارکردها و کژکارکردها	ایران عصر صفوی	ایران عصر قاجار
کارکرد هنری	گسترش نیافتن نقاشی در قهوه‌خانه‌ها به دلیل حضور پررنگ فن نقالی در این دوره که انتقال‌دهنده فرهنگ ملی مذهبی برای مردم بود.	به وجود آمدن مکتب جدید نقاشی قهوه‌خانه‌ای با موضوع داستان‌های شاهنامه، وقایع کربلا و قصه‌های قرآنی با رعایت ارتباط هر رنگ با نمادهای خاص خود و با هدف پاسداری از الگوهای رفتاری و نظام‌های عقیدتی جامعه
کارکرد سیاسی	رواج مباحث سیاسی روز و نظارت شاهان صفوی بر این کارکرد برای جلوگیری از هرگونه مشاجره لفظی و فتنه‌انگیزی	تداوم این کارکرد به شکل گسترده‌تر، ممنوعیت روزنامه‌خوانی و شنیدن اخبار روز از سوی حکومت قاجار و تلاش برای جایگزین کردن سایر کارکردها به منظور کم‌رنگ کردن کارکرد سیاسی
کژکارکردها (کارکردهای منفی)	پایگاهی برای گردآمدن مصرف‌کنندگان تنباکو و قلیان به شکل غیرعلنی	تداوم و گسترش کژکارکردها به شکل علنی و رواج مفاسد اجتماعی در میان جوانان بانفوذ تدریجی عناصر تجدد و نوگرایی

۵. نتیجه‌گیری

قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان مکان‌های نوظهور اجتماعی از دوره صفویه به بعد در جامعه ایران، گونه جدیدی از معاشرت‌های شهری را شکل دادند و نقش بسزایی در گسترش حوزه عمومی ایفا کردند. براساس شواهد این پژوهش، قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان یک پایگاه اجتماعی در دوره‌های صفویه و قاجار، کارکردهای متعددی از جمله فراغتی، مذهبی، ادبی، هنری و سیاسی داشتند.

گذراندن اوقات فراغت مردم به تماشای نمایش‌های حماسی و بازی‌های مختلفی به‌عنوان کارکرد غالب قهوه‌خانه‌ها، در ایجاد سرگرمی برای مردم مؤثر بود که با گذار از دوره صفوی به قاجار، دستخوش تداوم و تحول شد. در نگاهی مقایسه‌ای به بازی‌های قهوه‌خانه‌های صفوی و قاجاری می‌توان برداشت کرد که بازی‌های رایج در قهوه‌خانه‌های صفوی به‌گونه‌ای بود که به ابزار خاصی نیاز داشت و از سویی بیشتر به قهوه‌خانه‌های سلطنتی منحصر بود، اما

بازی‌های معمول عصر قاجار بدون نیاز به ابزار خاص، بیشتر شکل نمایشی و خلاق‌گونه داشت و جمعیت بیشتری را به سوی قهوه‌خانه‌ها روانه می‌کرد. شاید به همین دلیل بود که در دوره قاجار بر تعداد قهوه‌خانه‌ها و کارکردهای اجتماعی آن در مقایسه با دوره صفوی افزوده شد.

قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان یکی از فضاهای شهری در جامعه ایرانی، عموماً همراه و همگام با آرمان‌ها، باورها و گرایش‌های عامه مردم جامعه حرکت کرده و برنامه‌های فرهنگی-مذهبی خود را مطابق با سال‌شمار تقویم ایرانی-اسلامی در طول سال تنظیم می‌کردند. در دوره صفویه با توجه به نقش پررنگ اعتقادات دینی و مذهبی شیعی در ارکان حکومت و مناسبات جامعه ایرانی، قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان یکی از فضاهای شهری نوظهور از این قاعده مستثنا نبودند. برگزاری مناسک مذهبی در عزاداری‌های ایام محرم و صفر و تشکیل مجالس تعزیه‌خوانی یا شبیه‌خوانی، تعطیل کردن قهوه‌خانه‌ها در روزهای ماه مبارک رمضان و نقشی که برخی قهوه‌خانه‌های شهری و بین شهری در اجتماع استقبال‌کنندگان از زائران خانه خدا و... داشتند، نمونه‌هایی از کارکردهای مذهبی این مراکز به‌عنوان زنده نگه‌داران سنت‌های شیعی در ایران دوره‌های صفوی و قاجار محسوب می‌شوند. در دوره قاجار نیز با گسترش مذهب تشیع کارکردهای مذهبی قهوه‌خانه‌ها نمود روشن‌تری یافت.

اجتماع شعرا و ادبا در قهوه‌خانه‌ها، سرودن اشعار مذهبی و حماسی و داستان‌سرایی از دوره صفوی به بعد، فضایی برای ایجاد و توسعه کارکرد ادبی قهوه‌خانه‌ها به وجود آورد و در نگاهی تحلیلی به علل گسترش این کارکرد می‌توان نیاز جامعه به افزایش اطلاعات عمومی، زنده نگه‌داشتن زبان فارسی و حفظ روحیه نظامی و مردانگی، به‌ویژه در نظام فتودالی عصر قاجار را نام برد.

از دیگر کارکردهای قهوه‌خانه‌ها که در گفتمان اجتماعی جامعه ایرانی نقش پررنگی ایفا کرد، کارکرد هنری و تأثیرگذاری آن بر فن نقاشی است. این کارکرد جزو لاینفک دیگر کارکردها و در پیوند با آن‌ها از جمله کارکرد تفریحی و مذهبی بوده است. این پیوند در قالب

نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای با آمیزه‌ای از احساس و خیال نمود یافت و با ویژگی‌های کالبدی (معماری و تزیینات) نیز پیوندهای تنگاتنگ داشت که در واقع پاسخ به خواست توده مردم و پاسداری از الگوهای رفتاری و نظام‌های دینی-عقیدتی جامعه‌ای بود که در آن زندگی می‌کردند.

در کنار دیگر کارکردها، مباحث سیاسی روز نیز یکی دیگر از کارکردهای قهوه‌خانه‌ها از دوره صفویه بوده است. براساس اطلاعات برگرفته از سفرنامه‌ها، این کارکرد، ضمن رواج در دوره صفوی، در دوره قاجار نیز گسترش یافت. در عصر قاجار، کارکردهای سیاسی قهوه‌خانه‌ها به نوعی کارکرد رسانه‌ای را به نمایش می‌گذارد. با توجه به نقش قهوه‌خانه‌ها به مثابه پایگاه اجتماعی برای توده مردم که روزانه برای اطلاع و تبادل اخبار و بحث درباره موضوعات روز گرد هم می‌آمدند، حکومت وقت قاجار نیز همچون حکومت صفوی با این نوع گردهمایی‌ها مقابله کرد و سعی کرد کارکردهای بازی و سرگرمی‌های رایج قهوه‌خانه‌ای را جایگزین کارکرد سیاسی کند. در بیان سیر تطور کارکردهای مذکور، مطابق نظر دورکیم و ریتز که در بحث درباره کارکردهای اجتماعی به علت‌های مؤثر بر آن‌ها توجه ویژه‌ای دارند، به مسئله دلایل تغییرات کارکردی قهوه‌خانه‌ها متناسب با نیازهای روز جامعه ایران عصر صفوی و قاجار نیز پرداخته شد.

علاوه بر کارکردها به عنوان موضوع محوری این پژوهش، کژکارکردهایی نیز از دوره قاجار تحت تأثیر مسائل سیاسی داخلی و خارجی نمود یافته است. ورود عنصر نوگرایی در قهوه‌خانه‌های عصر قاجار و اضافه شدن کافه‌ها در کنار آن‌ها به رواج ناهنجاری‌ها و کژکارکردهای اجتماعی دامن زد؛ به طوری که این اماکن علاوه بر رواج دادن اعتیاد، محل اجتماع زنان روسپی و ملاقات‌های روزانه آن‌ها با جوانان این دوره شد. گاه میان این کژکارکردها با کارکرد سیاسی در عصر قاجار ارتباط وجود داشت. بر اساس نظر برخی محققان، این پیوند را می‌توان از منظر تشویق و ترویج اعتیاد در میان عموم به منظور بازداشتن آن‌ها از امور سیاسی این دوره تحلیل کرد. آنچه در چارچوب نظری تحقیق در

بخش کژکارکردها مطرح شد، نظریه‌های تنهایی و رابرتسون ملاک بررسی و سنجش قرار گرفت، اما همان‌گونه که در متن به آن پرداخته شد، میان نظریه تنهایی (مبنی بر امکان تبدیل شدن کژکارکرد به کارکرد یا به عبارتی تبدیل شدن جنبه منفی به مثبت) و کژکارکردهای قهوه‌خانه‌ها، رابطه معناداری وجود ندارد و نمی‌تواند مصداق ارزش‌ها و ضد ارزش‌های قهوه‌خانه‌های ایران قرار بگیرد؛ زیرا بررسی‌های تاریخی نشان داده است، کارکردهای منفی قهوه‌خانه‌ها هیچ‌گاه نتوانست تحت تأثیر کارکردهای مثبت قرار بگیرد و همچنان با کم‌رنگ کردن نظام‌های ارزشی، هویتی و مذهبی به مسیر خود ادامه داد، اما مطابق نظریه رابرتسون، این کژکارکردها باعث شد تا کارکردهای قهوه‌خانه در دوره‌های صفویه و قاجار که پیش‌ازین به آن‌ها پرداخته شد، قابلیت برجسته‌ای پیدا کند و تأثیرات آن‌ها بر حفظ و اشاعه فرهنگ ملی، قومی و مذهبی و آفرینش و پرورش برخی جلوه‌های هنری جامعه ایران در ذهن هر ایرانی پررنگ‌تر شود.

کتابنامه

۱. آقازرگ، ن.، و متدین، ح. (۱۳۹۴). خاستگاه نظری میدان نقش‌جهان. فصل‌نامه باغ‌نظر، ۱۲ (۳۳)، ۲۳-۳۴.
۲. اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران*. به کوشش ایرج افشار. تهران: نشر اساطیر.
۳. احصاییه، (۱۳۱۲). *سرشماری نفوس شهر تهران*. تهران: بی‌نا.
۴. اولتاریوس، آ. (۱۳۶۳). *سفرنامه اولتاریوس* (ا. بهپور، مترجم). برلین شرقی: نشر روتن ولونینگ.
۵. اسماعیل‌زاده، ح. (۱۳۸۵). *حسن اسماعیل‌زاده نقاش مکتب قهوه‌خانه‌ای* (م. افشار، مترجم). تهران: نشر نظر.
۶. اوحدی حسینی، ت. (۱۰۲۲ ه.ق.). *تذکره عرفات عاشقین*. نسخه خطی کتابخانه ملک. ۴۶۰ صفحه.
۷. اولیویه. آ. (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه* (م. میرزا، مترجم). تصحیح غلامرضا وره‌رام. تهران: نشر اطلاعات.
۸. بلوک‌باشی، ع. (۱۳۷۵). *قهوه‌خانه‌های ایران*. تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی.

۹. بلوک‌باشی، ع. (۱۳۹۳). *قهوه‌خانه و قهوه‌نشینی در ایران*، تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۰. برد، اف. (۱۳۷۶). *گشت‌وگذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت*. (ع. مطهری کرمانی، مترجم). تهران: نشر جانان.
۱۱. بیضائی، ب. (۱۳۴۴). *نمایش در ایران*. تهران: نشر کاویان.
۱۲. ۱۲. تاورنیه، ژ. (۱۳۶۳). *سفرنامه تاورنیه*. (ا. خواجه نوری، مترجم). تهران: نشر کتابخانه سنایی.
۱۳. ترنر، ج. (۱۳۹۳). *نظریه‌های نوین جامعه‌شناختی*. (ع. مقدس و م. سروش، مترجم). تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۱۴. ۱۴. توسلی، غ. (۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: نشر سمت.
۱۵. تکمیل همایون، ن. (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران (دارالخلافه ناصری)*. جلد ۲. تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری.
۱۶. تنهایی، ح. (۱۳۹۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: نشر بهمن برنا.
۱۷. تنهایی، ح. (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. گناباد: نشر مرندید.
۱۸. پولاک، ا. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*. (ک. جاندار، مترجم). تهران: نشر خوارزمی.
۱۹. جعفریان، رسول. (۱۳۸۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. جلد ۲. قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۰. حسینی، م. (۱۳۸۲). *مفهوم فضا در نقاشی‌های عامیانه مذهبی*. فصل‌نامه هنر، (۵۵)، ۷۵-۶۴.
۲۱. دروویل، گ. (۱۳۸۸). *سفرنامه دروویل*. (ج. محیی، مترجم). تهران: نشر گوتنبرگ.
۲۲. رابرتسون، ی. (۱۳۷۲). *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی*. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۲۳. رایس، ک. (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه‌ورسم زندگی آنان*. (ا. آزاد، مترجم). تهران: نشر کتابدار.
۲۴. رفیعی مهرآبادی، ا. (۱۳۵۲). *آثار ملی ایران*. تهران: نشر انجمن آثار ملی.
۲۵. ریچاردز، ف. (۱۳۹۰). *سفرنامه ریچاردز*. (م. صبا، مترجم). تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۲۶. ریتز، ج. (۱۳۸۷). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. (م. ثلاثی، مترجم). تهران: نشر علمی.
۲۷. ساریخانی، م. (۱۳۸۴). *نقاشی قهوه‌خانه‌ای در دوره قاجار، مجله وقف میراث جاویدان*، (۵۰)، ۱۱۴-۱۲۰.

۲۸. شهری، ج. (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. جلد ۶. تهران: نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۹. شهری، ج. (۱۳۷۱). *طهران قدیم*. جلد ۱. تهران: نشر معین.
۳۰. شاردن، ژ. (۱۳۷۴). *سفرنامه شاردن*. جلد ۲. (ا. یغمایی، مترجم). تهران: نشر توس.
۳۱. شایسته فر، م. و خمسه، ف. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی، موضوعی و تکنیکی نقاشی درباری و قهوه‌خانه‌ای قاجار، نشریه نقش‌مایه، (۳)، ۶۳-۸۴.
۳۲. صادقی علی‌آبادی، م (۱۳۸۲). علیت تاریخی از دیدگاه کالینگوود و اوکشات. پژوهش‌نامه فلسفه دین، (۱)، ۱۲۵-۱۳۵.
۳۳. صدیقی، م. (۱۳۹۴). *قهوه‌خانه در آیینۀ اسناد*. تهران: نشر علم.
۳۴. طاهری، ا. (۱۳۵۴). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه‌عباس*. تهران: نشر شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۳۵. طالبان، م. (۱۳۸۸). *روشن‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران*. تهران: نشر پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۳۶. عناصری، ج. (۱۳۸۲). *شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار تقالان*. تهران: نشر سروش.
۳۷. عین‌السلطنه، ق. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: نشر اساطیر.
۳۸. فلسفی، ن. (۱۳۳۳). تاریخ قهوه و قهوه‌خانه در ایران، نشریه سخن، (۵)، ۲۵۸-۲۶۸.
۳۹. فلور، و. (۱۳۶۵). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. (ا. سری، مترجم). تهران: نشر طوس.
۴۰. فلسفی، ن. (۱۳۷۵). *زندگانی شاه‌عباس اول*. تهران: نشر علمی.
۴۱. فکوهی، ن. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
۴۲. قاسمی، ح. (۱۳۸۹). قهوه‌خانه‌ها در کوچه و پس‌کوچه‌های تاریخ، نشریه مسافران، (۵۳ و ۵۴)، ۲۶-۳۰.
۴۳. کامرانی فر، ا. و معمار، ن. (۱۳۹۰). نقش و عملکرد قهوه‌خانه‌های تهران در دوره قاجار. نشریه تاریخ اسلام و ایران، (۱۱)، ۹۹-۱۱۸.

۴۴. گولد، ج.، و کولب، و. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. (ب. پرهام، مترجم). تهران: نشر مازیار.
۴۵. مرتون، ر. (۱۳۷۶). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی. (ن. تولایی، مترجم). تهران: نشر امیرکبیر.
۴۶. محمودی، س.، و قاسمی، م. (۱۳۹۱). تعامل نقل و انتقال در قهوه‌خانه‌های ایرانی. نشریه مطالعات هنرهای تجسمی. ش ۳. ۲۱-۱.
۴۷. مستوفی، ع. (۱۳۷۱). شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه). تهران: نشر زوار.
۴۸. مظلومی، ر. (۱۳۶۶). روزنه‌ای به باغ بهشت، نگارگری مذهبی در ایران. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
۴۹. معتکفی، ف.، و علایی چهره برق، ع. (۱۳۹۳). روزی روزگاری قهوه‌خانه، فرهنگ دیروز داشته امروز. تهران: نشر جهان جام‌جم.
۵۰. محمدی، ر. (۱۳۸۰). نگاهی به بازی و نمایش در دوره صفویه. کتاب ماه و هنر، (۴۳ و ۴۴).
۵۱. مشرف، ر. (۱۳۹۹). قهوه‌خانه و آداب متداول در آن. فصل‌نامه فرهنگ مردم ایران. (۶۰)، ۱۳۱-۱۵۲.
۵۲. میرجعفری، ح.، و عاشوری نژاد، ع. (۱۳۹۰). تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان. تهران: نشر دانشگاه پیام‌نور.
۵۳. نصرآبادی، م. (۱۳۶۱). تذکره نصرآبادی. به کوشش وحید دستگردی. تهران: نشر فروغی.
۵۴. نیکوبخت، ن. (۱۳۹۴). نقد ادبی در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی. نشریه مطالعات نظریه و انواع ادبی. (۱)، ۱۴۳-۱۶۰.
۵۵. نوربخش، مسعود. (۱۳۸۱). تهران به روایت تاریخ. ج ۲. تهران: نشر علم.
۵۶. ویلز، چ. (۱۳۶۳). تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار (س. عبدالله، مترجم). به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام. تهران: نشر زرین.
۵۷. یکی از مأموران رسمی زمان محمدشاه قاجار. (۱۳۶۸). سفرنامه جنوب ایران به سال ۱۲۵۶ ه.ق. (تصحیح سید علی آل داوود). تهران: نشر امیرکبیر.
۵۸. یوسف جمالی، م.، و اسحق تیموری، م. (۱۳۹۰). قهوه‌خانه در ساختار جامعه صفوی و تفریحات رایج در قهوه‌خانه‌ها. فصلنامه مسکویه. (۱۷)، ۱۴۰-۱۲۳.

59. Conte, A. (1851). *System of positive polity of treatise on sociology*. London: Burt Franklin.
60. Dadvar, E. (2016). Abkhost coffee house: A masculine atmosphere of words in travels. *Comparative Literature (Special Issue of the Academy)*, (15), 7-15.
61. Emami, F. (2016). Coffi Houses, urban spases and the formation of a public sphere in safavid Isfahan. *Muqarnas*, 33, 177-230.
62. Foroughanfar, L. (2020). Coffeehouses (Re)Appropriated: Counterpublics and cultural resistance in Tabriz, Iran. *Urban Planning*, 5(4), 183-192.
63. Matthee, M. (1994). Coffee in Safavid Iran: Commerce and consumption. *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 37(1), 1-32.
64. Usely, W. (1823). *Travels in various countries of the East, more particularly Persian*. London: Rid Wall Martin.

